



محمد رضا بهرامی

سفير سابق ايران در افغانستان

به نظر می‌رسد تحولات یک سال اخیر اهمیت توجه به این رویکرد در حوزه سیاست خارجی کشور را به نوعی اجتناب‌ناپذیر نموده است. شبک‌های شدن مناسبات جهانی، توسعه ارتباطات و فناوری‌های علمی خصوصا هوش مصنوعی، رشد شتاب آلود برخی از کشورهای منطقه در توسعه اقتصادی، وابستگی متقابل کشورها در حوزه اقتصاد و... در یک تصویر بزرگ‌تر حوزه روابط خارجی را به یکی از مهم‌ترین محورهای اداره کشور تبدیل نموده است. در واقع و برخلاف آنچه در گذشته تحت عنوان «سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است»، از آن یاد می‌کردید، تحولات قرن ۲۱ نشان داده سیاست خارجی نه تنها ادامه سیاست داخلی به طور کامل محسوب نمی‌شود، بلکه محوری مهم و تعیین کننده در شیوه حکمرانی گردیده است. این مهم فی نفسه ضرورت بررسی چارچوب‌های کلان سیاست خارجی را ایجاد می‌نماید. بدون انجام یک تحول در حوزه سیاست خارجی و تحقق الزامات مرتبط با آن، نمی‌توان آینده‌ای متفاوت از شرایط فعلی را برای کشور ترسیم کرد. جذب سرمایه خارجی، دستیابی به فناوری‌های نوین، بازتعریف جایگاه کشور در زنجیره ارزشی جهان بر مبنای ظرفیت‌ها و منابع موجود، افزایش سهم در تجارت جهانی، بازیابی موقعیت جغرافیایی و گذرگاهی کشور در معادلات کریدوری ترانزیت و حمل و نقل بخشی از الزامات مورد نظر خواهند بود. در تحولات سرد مشاهده نمی‌شود. ژئوپلیتیک با هدف تولید قدرت در حوزه‌های مختلف به مناسبات میان کشورها بازگشته است. کاهش شکاف قدرت بین کشورگنار عمده بین‌المللی منجر به تولید فضای حیاتی‌کافی برای بازیگری قدرت‌های میانی فراهم کرده است. گسترش خلأ قدرت تمام کننده به همراه افزایش اشتباه محاسبات و درگیری‌ها قابل مشاهده است. با هدف پرهیز از انحصار زنجیره‌های تامین جهانی مواد معدنی حیاتی، شکل دهی به مشارکت‌های چند ملیتی دولتی، خصوصی در مسیر تنوع بخشیدن به این مهم در حال انجام است. بریکس با پیوستن اندونزی تقریباً نیمی از جمعیت جهان و سهمی بزرگ‌تر از تولید اقتصادی جهانی نسبت به گروه ۷ را شامل می‌شود. هر چند برخلاف گروه ۷، اعضای این بلوک پراکنده‌اند و هیچ سیستم سیاسی یا منافع جغرافیایی- راهبردی مشترکی آنها را متحد نمی‌کند. اما اراده برای شکل دهی به نظمی چند قطبی محور تلاش آنها قرار گرفته است. عدم قطعیت و سازگاری دو موفقه موثر در ارزیابی ماهیت فعلی مناسبات بین الملل شناخته می‌شوند. اما هرگونه طراحی پیرامون روابط خارجی ایران نمی‌تواند بدون توجه به واقعیت‌های ذاتی آن صورت پذیرد. ایران اولین و با قدمتی ترین حکومت در این منطقه و ماهیتا یک دولت تمدنی است. گستره جغرافیایی تمدن ایران زار و فلات ایران می‌توان یافت. جغرافیای ایران از ویژگی منحصر به فردی در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه برخوردار است: دارا بودن تمامی سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان و وجود دریای مازندران در شمال، قرار داشتن در یک سوی تنگه راهبردی هرمز، قرار داشتن در بیضی انرژی، دارا بودن موقعیت مناسب گذرگاهی و جغرافیایی، پنجگین کشور در دنیا از نظر منابع غنی، دومین دارنده منابع گازی و سومین دارنده منابع نفتی، باترکز بر اهمیت دولت تمدنی بودن ایران، چند نکته قابل توجه است. حوزه همسایگی و یا پیرامونی به دلیل درگیر بودن با بی‌ثباتی‌های منطقه تاریخی، فرهنگی و دینی ما در مرزهای رسمی محدود نکرده بلکه مفهوم سرحد ظرفیت‌های بیشتری را برای همگرایی در اختیار قرار می‌دهد. این قدرت جهانی اندیشه‌های غربی بود که دولت- ملت را به هنجار بین‌المللی برای سازماندهی سیاسی تبدیل کرد. ظهور قدرت‌های آسیایی با پیش‌قدمان ایرانی، هندی، چینی، اسلاو، سامی و تورانی می‌تواند مدل «دولت تمدن» را در این قاره کهن مطرح کند. برای یک دولت تمدنی، پیوندهای فرهنگی به طور بالقوه مهم‌تر از وضعیت حقوقی صرف شهروندی است. دولت تمدنی در مفهوم غرب ستیزی نیست. اصالت به هویت فرهنگی و تلاش برای ارتقای ظرفیت جمعی در حوزه تمدن است. این در واقع امکانی مشترک در حوزه تمدنی است که امکان همگرایی بیشتر تنکه‌های جدا شده از هم را افزایش می‌دهد. هویت تمدنی لزوماً به معنای مقاومت در برابر ادغام با بقیه جهان نیست. ضرورت توجه به احیا و پرچسته سازی موفقه تمدنی در مناسبات خارجی به خوبی اهمیت خود را در سفر اخیر رئیس جمهور پزشکیان به آسیای مرکزی نشان داد. از طرف دیگر استقلال راهبردی یک مفهوم سیاسی است، یک طرز فکر است که خود را در شیوه حکمرانی و نحوه اداره کشور در حوزه روابط خارجی نشان می‌دهد. توانایی اجرای سیاست خارجی عاری از محدودیت‌های تحمیل شده توسط طرف‌های قدرتمند، توانایی پیگیری منافع ملی و اتخاذ سیاست خارجی ترجیحی بدون وابستگی شدید و یا محدود شدن به سایر طرف‌های خارجی، توانایی و ظرفیت عمل مستقل با تکیه بر منابع خود و همکاری با شرکا در زمان نیاز، چارچوب کلی نگاه به استقلال راهبردی را مشخص می‌کند استقلال راهبردی و یا خود مختاری راهبردی را نباید به عنوان یک انتخاب دولتی بین وابستگی و استقلال یا تعامل و جداسازی در نظر بگیریم. در واقع نوعی ابهام در این مفهوم که بر جدایی آن می‌افزاید قابل درک است که به وقت هم قابل تعریف شاید نباشد. این ابهام کمک می‌کند تا تا تأکید بر عمل‌گرایی در چارچوب منافع ملی امکان مناسب‌تری در استفاده از فرصت‌ها مهیا گردد. باید پذیرفت اصولا استقلال راهبردی با پذیرش تنوع و تکثر در انتخاب‌ها موضوعیت پیدا می‌کند. ساخت سیاست خارجی بر پایه تکثر سازی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، راه‌سازی از اجزای‌های تعهد آمیز به قطب و یا قطب‌هایی از قدرت را در مفهوم این موضوع می‌توان یافت. استقلال راهبردی در نظام بین‌الملل معاصر مفهومی چند لایه به شمار می‌رود که در هم‌راهی توان ساختارهای مادی و معنایی شکل می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت استقلال راهبردی دولت‌ها برآیند حاصل تعامل موقعیت آنها در ساختار قدرت جهانی و همچنین هنجارها و گفت‌مان‌های بین‌المللی است. استقلال راهبردی در ذات خود به وضوح نمونه‌ای از رفتار متعادل است. ایجاد و برقراری رفتار متعادل از طریق قدرت تضمین‌کننده انتخاب‌های مستقل خواهد بود.

مصطفی هاشمی طباطر گفت وگو با «آرمان ملی»:

## ترامپ دنبال اقدامات ایدایی

## علیه ایران است



باید از دور مذاکره برای مذاکره با غرب خارج

شویم

آمریکا به راحتی از اهرم فشار تحریم‌ها علیه ایران

عبور نخواهد کرد

سه شنبه  
۱۱ • ۱۱ • ۱۴۰۳  
۲۵ رجب ۱۴۴۶ / ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵

armanmeli.ir

سال هشتم  
شماره ۲۵۲۷

آرمان ملی- احسان انصاری: مراسم تحلیف دونالد ترامپ برگزار شد و حالا او دوباره رئیس جمهور رسمی آمریکا است. ترامپ و اعضای کابینه‌اش هنوز واکنش رسمی به مصاحبه پزشکیان برای مذاکره نشان نداده و از این نظر چشم‌انداز پیش روی ایران و آمریکا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. هر چند با توجه به ترکیب کابینه ترامپ احتمال اینکه سیاست فشار دوباره در دستور کار ترامپ قرار گیرد منتفی نیست. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این چشم‌انداز با سیدمصطفی هاشمی طبا معاون پیشین رئیس جمهور گفت‌وگو کرده است. هاشمی طبا معتقد است: «ترامپ اگر عاقل باشد به این نکته توجه می‌کند که مقام رهبری به صراحت عنوان می‌کند ما با آمریکا مذاکره نخواهیم

نست، بلکه آنچه باعث شده اقتصاد ما ضعیف شود هرچ و مرج در تصمیم‌گیری و در برخی موارد هم سوء مدیریت است. ریخت و پاش‌ها در اقتصاد ایران به اندازه‌ای است که اگر این وضعیت وجود نداشته باشد ما سالانه در حدود ۱۵ میلیارد بودجه خواهیم داشت که می‌توانیم آن را برای حل مشکلات مختلف به کار ببریم. در واقع ما سالانه ۱۵ میلیارد دلار سرمایه کشور را هدر می‌دهیم. این آمار به خوبی نشان می‌دهد که اگر قرار است وضعیت اقتصاد کشور بهبود یابد، باید جلوی ریخت و پاش‌های بیهوده گرفته شود. واقعیت غیرقابل انکار این است که به اندازه‌ای که سیاست‌های اشتباه داخلی به ما ضربه زده، تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی ضربه زده است. اگر قرار است آقای پزشکیان اقدام موثری در این زمینه انجام بدهد، باید جلوی این ریخت و پاش‌ها و هدر رفتن سرمایه‌های کشور را بگیرد و سیاست‌های اشتباه گذشته را تصحیح کند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی کشور خوشبین بود.

در چنین شرایطی مناسبات بین ایران و آمریکا به رهبری ترامپ به چه سمتی حرکت خواهد کرد؟

من فکر می‌کنم ایران در رویکردی که مقابل آمریکا در پیش گرفته تصمیم‌گیری نخواهد داد. هر چند که باید تأکید کرد که لازم است روشن شود که هدف از تقابل چیست. این همان موضوعی است که باید به مردم گفته شود تا با این سیاست همراهی بیشتری صورت گیرد. اینکه عنوان می‌شود ممکن است دولت پزشکیان رویکرد جدیدی در پیش بگیرد و واقعیت‌بینانه نیست. واقعیت این است که آقای پزشکیان بدون اجازه حاکمیت نمی‌تواند کاری بکند. در واقع دولت پزشکیان تصمیم‌گیرنده اصلی در اینک‌ه باید در مقابل آمریکا چه رویکردی در پیش گرفت، نیست و چنین سیاست‌هایی در جای دیگری گرفته می‌شود. در چهار دهه گذشته فضای تقابل و تخصص بین ایران و آمریکا شکل گرفته که در ساحت‌های مختلف زندگی مردم اثر گذاشته است. در چهل سال گذشته آمریکا مرتب ایران را تهدید و تحریم کرده است. رفتار آمریکا موجب شده که در داخل فریاد مرگ بر آمریکا بلند باشد. روشن است که تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که طرفین برای بلندمدت تصمیم بگیرند. ضمن اینکه برخی کشورهای منطقه هم بر آتش می‌دمند و از نزدیکی دو کشور ناراحت و نگران می‌شوند. در سال‌های اخیر واسطه‌هایی بین ایران و آمریکا وجود داشته و پیام‌های بین طرفین رد و بدل شده است. با این وجود با رفت و آمد واسطه‌ها اتفاق خاصی در این روابط که گاهی پر تنش می‌شود، رخ نخواهد داد. دولت پزشکیان نیز اگر دنبال تعامل با کشورهای غربی است، باید رویکردی در پیش بگیرد که نسبت به گذشته تفاوت داشته باشد. البته تردید نیست که موانع مهمی در پیش پای دولت وجود دارد و به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت پزشکیان بتواند به آسانی و ناگهانی چالش بین ایران و آمریکا را حل کند.

بزرگ نداریم. معاون اول رئیس جمهور ادامه داد: در ابتدای انقلاب در همه مسائل کشور فردگرایی رفتار کردیم اما خوشبختانه از زمانی که احساس شد کشور به برنامه‌های توسعه نیاز دارد و کشور هیچ راهی جز حرکت برنامه‌ای ندارد، نگاه فردگرایی به بن بست رسید؛ البته برنامه اول توسعه نوشته شد اما هیچ وقت اجرا نشد. عارف بخش دولتی را بنگاه دار خوبی ندانست و گفت: دولت باید نقش تسهیل‌گر ایفا کند و از برنامه سوم این چنین شد و اوج این نگاه در برنامه هفتم توسعه قابل مشاهده است. در این برنامه محور کار با بنگاه‌های بزرگ اقتصادی بخش خصوصی است.

مهم این است که ایران باید خود را در داخل تقویت کند و ما باید به شکلی عمل کنیم که رویکرد دیگر کشورها نسبت به ما، در اولویت‌ها و برنامه‌های ما نقش نداشته باشد

ما مطرح است و هر بار مذاکره می‌کنیم تا مذاکرات را به دور بعدی موکول کنیم. به هر حال زمان آن رسیده که از این دور و تسلسل خارج شویم. اگر ما دنبال لغو تحریم‌ها هستیم، مشخص است که آمریکا به آسانی از این اهرم فشار علیه ایران عبور نخواهد کرد. زمانی که برجام به نتیجه رسید مشخص بود که طرفین دنبال چه چیزی هستند و قرار است به چه نتایجی برسند، اما حالا مشخص نیست قرار است درباره چه چیزی مذاکره صورت گیرد. برجام هم که دیگر وجود ندارد و عملا از بین رفته است.

در هفته‌های اخیر بازار سرمایه در ایران با نوسان‌های مختلفی مواجه بود و ترامپ هم به صورت رسمی رئیس جمهور آمریکا شده است. با توجه به این موارد، وضعیت اقتصادی در ماه‌های پایانی سال چگونه خواهد بود؟

در حال حاضر ما مشکلاتی روبه‌رو هستیم که آثار خود را در حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد و این موضوع تنها مختص به اقتصاد نیست. در زمینه‌های دیگر نیز با مشکلات خاص خود مواجه هستیم و حتی به نظر می‌رسد برخی از این مشکلات به سطح بحران نزدیک می‌شود. بحران به شرایطی گفته می‌شود که با روال معمول متفاوت است و عملکردهای خاص خود را می‌طلبد و نیاز به اقدامات فوق‌العاده دارد. به عنوان مثال هنگامی که کرونا وارد کشور شد ما با یک وضعیت فوق‌العاده مواجه شدیم که نیازمند اقدامات فوری و فوق‌العاده بود. اکنون ما تقریباً در چنین وضعیتی قرار داریم. با همه اینها برخی مسئولان به چنین موضوعی توجه ندارند و به شکلی رفتار می‌کنند که انکار هیچ مشکلی وجود ندارد و در شرایط عادی قرار داریم. اگر این نگاه ادامه داشته باشد هم بر تعداد بحران‌ها افزوده می‌شود و هم غلبه بر آنها سخت‌تر خواهد شد. نکته دیگر اینکه مشکل اقتصاد ایران خارجی

مشکل اقتصاد ایران خارجی نیست، بلکه آنچه باعث شده اقتصاد ما ضعیف شود هرچ و مرج در تصمیم‌گیری و در برخی موارد هم سوء مدیریت است

محمد رضا عارف مطرح کرد

### ضرورت رقابت مبتنی بر تحقیق و توسعه

هستند، می‌توانند در این قالب در کارشان موفق شوند. امروز بنگاه‌های بزرگ بیانگذاشتن تلفیق رقابت و رفانت هستند. در یکی دو دهه اول انقلاب به این مسئله توجه نکردیم که اگر بخواهیم میان کشورهای منطقه سری در سرها داشته باشیم یا در میان کشورهای جهان حرفی برای گرفتن داشته باشیم، راهی جز حرکت‌های جمعی و شرکت‌های

کنیم. معاون اول رئیس جمهور اظهار کرد: امسال بر اساس ۳۳ محور و شاخص شرکت‌ها و بنگاه‌هایی انتخاب شدند. فرهنگ ما اصولاً فرهنگ الگوبروری است. وی رقابت را اصل پذیرفته شده در مسیر رشد دانست و گفت: رقابت اگر در کنار رفانت قرار بگیرد، مجموعه‌ای بزرگ شکل می‌گیرد. افرادی هر چه را که خواسته‌ایم، توانسته‌ایم کسب

تلنگر

مواجهه تهران و واشنگتن

مدیریت تنش

بر اساس تجربه تاریخی، چارچوب‌های نظری و اطلاعات فعلی، دوره دوم دونالد ترامپ این پتانسیل را دارد که او عملکردی موثرتر از دوره اول خود ظاهر شود. دونالد ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود از رویکردهای سنتی سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده انتقاد کرد و سعی کرد خود را از روسای جمهور قبلی متمایز کند. اندیشکده آمریکا استیمسون مدعی شد، بسیاری در ایالات متحده ریاست جمهوری او را یک ناهنجاری می‌دانستند و انتظار داشتند که کشور در نهایت به مسیر متعارف و بروکراتیک خود بازگردد. حتی اعضای با نفوذ حزب جمهوری خواه و همچنین دموکرات‌ها و دادگاه‌ها به دنبال مهر اقدامات او بودند. هنگامی که جو بایدن به قدرت رسید، اعتقاد عمومی بر این بود که «دوران ترامپ» به پایان رسیده و شرایط نشان دهنده بازگشت آمریکا به حالت عادی است. با این حال، نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ نشان داد که نفوذ ترامپ و رویکرد غیرمتعارف او به سیاست، عمیق‌تر جامعه آمریکا لطین‌اندا است. رویکرد شخصی ترامپ به سیاست ممکن است به خوبی با تمایلات رهبران خاورمیانه همسو باشد و به طور بالقوه سیاست‌های موثرتری را در طول ریاست جمهوری او امکان پذیر کند. ترامپ با اولویت دادن به منافع اقتصادی و نفوذ بر ترویج حقوق بشر یا آزادی‌های مدنی، استراتژی‌هایی را که چین در سال‌های اخیر در قبال منطقه دنبال کرده است، منعکس می‌کند. بی‌تفاوتی آشکار او نسبت به حوادثی مانند قتل «جمال خاشقچی»، روزنامه‌نگار در کسولگری عربستان سعودی در ترکیه نشان دهنده این رویکرد عملکردیانه است. با انتخاب مجدد ترامپ و اعمال نفوذ سیاسی بیشتر، انتظار می‌رود که سیاست خارجی ایالات متحده حتی بیشتر شخصیت محور شود. ابتکاراتی مانند گسترش پیمان ابراهیم که روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و چندین کشور عربی برقرار کرد، و تضمین پیوستن عربستان سعودی به این توافقات، احتمالاً به روابط شخصی ترامپ با رهبران منطقه بستگی دارد. از آنجا که مقامات ایرانی گاهی روابط بهتری با جمهوریخواهان داشتند، احتمال تمایل ایران به توافق با ترامپ بیشتر می‌شود.

دلایل منطقی توافق

این اندیشکده با اشاره به اینکه روابط بین ایالات متحده و ایران از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ با خصومت مشخص شده و هر دو طرف در بهترین حالت توانسته‌اند تنش‌ها را کنترل کنند اما دعا می‌کند که تهران و واشنگتن به این نتیجه برسند اند که عدم ایجاد رابطه بسیار برهزینه خواهد بود. این امر به ویژه برای فردی مانند ترامپ مهم است که گفته است جلویگری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای برای او اولویت دارد (تهران همواره هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را رد کرده و بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود تأکید دارد). از دیدگاه ایران نیز به نظر می‌رسد دلایل منطقی برای دستیابی به توافق وجود دارد. دولت رئیس جمهور مسعود پزشکیان رویکرد انعطاف‌پذیرتری را در پیش گرفته و وضعیت امنیتی منطقه در کنار تحریم‌های اقتصادی، تلاش‌ها برای رسیدن به توافق را جدی تر کرده است. تهران نگران است که هر توافقی ممکن است مانند توافقات قبلی پایدار نباشد. با این حال، با توجه به اکثریت حامی ترامپ در کنگره، هر توافقی که توسط دولت ترامپ مذاکره شود، احتمالاً با مخالفت کمتری در ساختار سیاسی ایالات متحده مواجه خواهد شد. با این حال، عدم تمایل (ریزم اسرائیل) به دستیابی به هرگونه توافق یا ایران در کنار پیشینه ترامپ در ترور سردار قاسم سلیمانی، موانع عمده‌ای برای دستیابی به توافق احتمالی است. باید دید که طرفین در نهایت چه مسیری را برای مدیریت این تنش‌ها در پیش خواهند گرفت. به طور خلاصه، دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ می‌تواند رویکردی هدفمندتر و عملکردیانه‌تر در خاورمیانه به همراه داشته باشد و از همسویی او با فرهنگ سیاسی اقتدارگرای منطقه برای پیشبرد منافع ایالات متحده استفاده کند. پیوسته در ادامه با اشاره به اینکه روابط بین ایالات متحده و ایران از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ با خصومت مشخص شده و هر دو طرف در بهترین حالت توانسته‌اند تنش‌ها را کنترل کنند اما دعا می‌کند که تهران و واشنگتن به این نتیجه برسند اند که عدم ایجاد رابطه بسیار برهزینه خواهد بود. این امر به ویژه برای فردی مانند ترامپ مهم است که گفته است جلویگری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای برای او اولویت دارد. (تهران همواره هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را رد کرده و بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود تأکید دارد). از دیدگاه ایران نیز به نظر می‌رسد دلایل منطقی برای دستیابی به توافق وجود دارد. دولت رئیس جمهور مسعود پزشکیان رویکرد انعطاف‌پذیرتری را در پیش گرفته و وضعیت امنیتی منطقه در کنار تحریم‌های اقتصادی، تلاش‌ها برای رسیدن به توافق را جدی تر کرده است. تهران نگران است که هر توافقی ممکن است مانند توافقات قبلی پایدار نباشد. با این حال، با توجه به اکثریت حامی ترامپ در کنگره، هر توافقی که توسط دولت ترامپ مذاکره شود، احتمالاً با مخالفت کمتری در ساختار سیاسی ایالات متحده مواجه خواهد شد.